

لحام الحی الحجاج علی الصرائی

بهرت جهان در مایه ^۱ یا فاطمه یا فاطمه
ای موج دریای وفا ^۲ اینور چشم مصطفی

دیدنی جها جور جفا
سوزشی بقلب ماهی ^۳ یا فاطمه یا فاطمه

بابت بوقت رحلتی ^۴ یا آن دل پر محبتی
گفتا چینی با امشی

زهرمه این عالمه ^۵ یا فاطمه یا فاطمه

لیکن و صیقلهای آن ^۶ همراه او رفت از جهان
تیره ستم کی دند نشان

این جور حقد ظالمه ^۷ یا فاطمه یا فاطمه

دریشت در ای مدحی ^۸ داد تو شش ماه چینی
سپیدی زدندت بر چینی

در غم علی صندلخه ^۹ یا فاطمه یا فاطمه

صد داد از آن میخدر ^{۱۰} بر سینات آورد اثر
بهر تو ای حوینی جگر

هر چه بنالیم مالمه ^{۱۱} یا فاطمه یا فاطمه

در شب ایانور مبی ^{۱۲} مدفون شد از جور کینی
سبیطینی ز یلب دلغین

واندر عزایت مریمه ^{۱۳} یا فاطمه یا فاطمه

حیدرهی نالان شده ^{۱۴} غمگینی حید حیران گه
او دید پی کی یان شده

گوید به آه زمزمه ^{۱۵} یا فاطمه یا فاطمه

آسی زدند بر خانه است ^{۱۶} ویران شد کاشانه است
و از کین زدند بر شانه است

بهرت قرانی در غم ^{۱۷} یا فاطمه یا فاطمه